

مسائل مستحدثة قضا (جلسه ۱۷) دوشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

بررسی فقهی قانون تجارت؛ افلاس شرکت، بررسی شهادت زن (مستقلاً یا منضمّاً) در حق الناس

اثبات ادعای افلاس

شهادت زن در حق الناس

بحث درباره این است که آیا شهادت زن مستقلاً یا منضمّاً (به تنهایی یا همراه با شهادت مرد) درباره افلاس و حجر پذیرفته می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا شهادت یک مرد و دو زن در حق الناس پذیرفته می‌شود؟

این مسئله از مواردی است که مورد اختلاف زیادی است و کمتر مسئله‌ای در فقه مانند آن مورد اختلاف است. کلمات علما بسیار مشوش است و روایات هم دارای اختلاف است و جمع بین آنها بسیار سخت است. فعلاً روایات را نقل می‌کنیم سپس آنها را دسته‌بندی و جمع‌بندی می‌کنیم تا ببینیم کدامیک قابل اعتماد است. در آخر هم کلمات علما که از این روایات چه چیزی استفاده کرده‌اند را نقل می‌کنیم. به صورتی کلی در مواردی فقط شهادت زن پذیرفته می‌شود و شهادت مرد قبول نمی‌شود بلکه در برخی مواقع شهادت یک زن قبول می‌شود. در مواردی شهادت چند زن باید باشد، در مواردی باید به‌ضمیمه شهادت مرد باشد و در مواردی اصلاً شهادت مرد قبول نمی‌شود.

بررسی روایات

حدیث پنجم: وَ عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْحَارِقِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِيمَا لَا يَسْتَطِيعُ الرِّجَالُ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ وَيَشْهَدُوا عَلَيْهِ وَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي النِّكَاحِ وَ لَا تَجُوزُ فِي الطَّلَاقِ وَ لَا فِي الدِّمِّ وَ تَجُوزُ فِي حَدِّ الزَّانَا إِذَا كَانَ ثَلَاثَةً رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَ لَا تَجُوزُ إِذَا كَانَ رَجُلَانِ وَ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي الرَّجْمِ. (وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۳۵۲ باب ۲۴ از ابواب کتاب الشهادات ح ۵)

عنه یعنی محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن محمد بن خالد برقی موثق هستند. حسن بن محبوب از بزرگان است. ابراهیم حارقی یا خارق مجهول است لذا حدیث مجهول و ضعیف است.

در مسائلی مثل تولد بچه یا باکره بودن زن فقط شهادت زن ملاک است. شهادت زن در باب نکاح قبول می‌شود اما در باب طلاق قبول نمی‌شود. در باب نکاح و طلاق دو بحث وجود دارد:

۱- اصل وقوع نکاح و طلاق ۲- اثبات نکاح و طلاق. فتوای اهل سنت آن است که اگر کسی عقد نکاح را بدون شاهد بخواند، عقد باطل است. همین فتوا را شیعه درباره طلاق دارد که اگر بدون شاهد طلاق جاری شود، باطل است. شهادت زنها درباره وقوع نیست بلکه درباره اثبات است یعنی اگر نزاع شد که عقدی خوانده شده است یا خیر، شهادت دو زن پذیرفته می‌شود اما در باب طلاق از مسلمات است که شهادت زن پذیرفته نمی‌شود. در قتل هم شهادت زن پذیرفته نمی‌شود. در حدود شهادت زن پذیرفته نمی‌شود مگر در حد زنا که شهادت سه مرد و دو زن پذیرفته می‌شود، ولی اگر دو مرد و چهار زن باشد، پذیرفته نمی‌شود. شهادت زنها در رجم اصلاً پذیرفته نیست.

محتوای حدیث چون در روایات دیگر آمده است، قابل پذیرش است با اینکه سند حدیث ضعیف است.

**حدیث ششم:** وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ مَاتَ وَ تَرَكَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَامِلٌ فَوَضَعَتْ بَعْدَ مَوْتِهِ غُلَامًا ثُمَّ مَاتَ الْغُلَامُ بَعْدَ مَا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَشَهِدَتِ الْمَرْأَةُ الَّتِي قَبَلَتْهَا أَنَّهُ اسْتَهَلَ وَ صَاحَ حِينَ وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ مَاتَ قَالَ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُجِيزَ شَهَادَتَهَا فِي رُبْعِ مِيرَاثِ الْغُلَامِ. (وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۳۵۲ باب ۲۴ از ابواب کتاب الشهادات ح ۶)

عنه یعنی محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن خالد برقی از حسن بن محبوب از عمر بن یزید که موثق است. این حدیث صحیح است برخلاف حدیث قبلی.

اگر بچه زنده متولد شد و سپس مُرد، از پدرش ارث می‌برد اما اگر مرده متولد شد، ارث نمی‌برد. قابل شهادت داد که بچه پس از تولد جیغ زد سپس مُرد یعنی زنده متولد شد پس ارث می‌برد. امام علیه السلام فرمود باید حاکم شرع شهادت زن قابل را در یک چهارم ارث بپذیرد.

علامه مجلسی (با اینکه در فهم روایات بسیار دقیق است) فرموده است: این یک روایت است و برخلاف قاعده است لذا با اینکه سندش صحیح است ولی قابل پذیرش نیست.

اولاً یک روایت نیست بلکه چند روایت داریم که می‌فرماید شهادت زن در یک چهارم قبول می‌شود. به عنوان مثال شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه نقل می‌کند: «وَ عَنْهُ (عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ) قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَجُوزُ شَهَادَةُ الْقَابِلَةِ فِي الْمَوْلُودِ إِذَا اسْتَهَلَ وَ صَاحَ فِي الْمِيرَاثِ وَ يُورَثُ الرَّبْعَ مِنَ الْمِيرَاثِ بِقَدْرِ شَهَادَةِ امْرَأَةٍ وَاحِدَةٍ قُلْتُ فَإِنْ كَانَتْ امْرَأَتَيْنِ قَالَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُمَا فِي النَّصْفِ مِنَ الْمِيرَاثِ». (وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۳۶۴) توضیح اینکه شهادت در یک چهارم یا نصف به چه معنایی است بعداً خواهد آمد. حدیث دیگر: «قَالَ

وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: إِنْ كَانَتِ امْرَأَتَيْنِ تَجُورُ شَهَادَتُهُمَا فِي نِصْفِ الْمِيرَاثِ وَإِنْ كُنَّ ثَلَاثَ نِسْوَةٍ جَارَتْ شَهَادَتُهُنَّ فِي ثَلَاثَةِ أَرْبَاعِ الْمِيرَاثِ وَإِنْ كُنَّ أَرْبَعًا جَارَتْ شَهَادَتُهُنَّ فِي الْمِيرَاثِ كُلِّهِ». (وسائل الشيعه ج ٢٧ ص ٣٦٥) شهادت دو زن در نصف ارث قبول می شود و شهادت سه زن در سه چهارم ارث پذیرفته می شود.

ثانياً سند روایت درست است. ثالثاً محتوای روایت این است که اگر بچه ای متولد شد، ارث او بستگی دارد که چند برادر و خواهر دارد. اگر چهار زن شهادت بدهد مثل این است که دو مرد شهادت بدهد و با شهادت دو مرد کل مدعا اثبات می شود. اگر سه زن بودند نه چهار زن، سه چهارم اثبات می شود و اگر دو زن بودند، نصف اثبات می شود و اگر یک زن بود، یک چهارم اثبات می شود. مثلاً اگر ارث بچه چهار میلیون است، با شهادت یک زن یک میلیون ارث می برد. اینکه می فرماید در ربع ارث، یعنی اگر چهار زن شهادت بدهند، ارث کامل به او می رسد، اکنون که یک زن شهادت داده است، یک چهارم ثابت می شود.

**حدیث هفتم:** وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ لَهُ تَجُورُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي نِكَاحٍ أَوْ طَلَاقٍ أَوْ رَجْمٍ قَالَ تَجُورُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِيمَا لَا تَسْتَطِيعُ الرِّجَالُ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَ تَجُورُ شَهَادَتُهُنَّ فِي النِّكَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَ تَجُورُ شَهَادَتُهُنَّ فِي حَدِّ الزَّانَا إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَ لَا تَجُورُ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ وَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ فِي الزَّانَا وَ الرَّجْمِ وَ لَا تَجُورُ شَهَادَتُهُنَّ فِي الطَّلَاقِ وَ لَا فِي الدِّمِّ. (وسائل الشيعه ج ٢٧ ص ٣٥٢ باب ٢٤ از ابواب كتاب الشهادات ح ٧)

این حدیث دو سند دارد. محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن خالد و علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از حسن بن محبوب از محمد بن فضیل. معمولاً در کتاب های مثل جواهر، وقتی این حدیث را نقل کرده اند، گفته اند این حدیث ضعیف السند است؛ زیرا محمد بن فضیل مجهول است. ولكن به نظر می رسد، محمد بن فضیل یعنی محمد بن قاسم که لقبش فضیل بوده است و موثق است لذا حدیث معتبر است.

شهادت زن درجایی قبول می شود که مرد نمی تواند نگاه کند مانند قابله. در باب نکاح شهادت دو زن با ضمیمه به مرد قبول می شود. در حد زنا هم شهادت زن پذیرفته می شود چنانچه سه مرد و دو زن باشند، اگر دو مرد و چهار زن باشند نه زنا اثبات می شود و نه رجم. در طلاق و قتل هم شهادت زن پذیرفته نمی شود.

علت اینکه شهادت زن در باب طلاق پذیرفته نیست آن است که معمولاً زنها دل رحم هستند و به خاطر دلسوزی، نفع زن را می گیرند، یعنی جای اتهام است لذا شهادت زن پذیرفته نیست.

**حدیث هشتم:** وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ: لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْهَلَالِ وَلَا فِي الطَّلَاقِ وَقَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ النِّسَاءِ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ قَالَ نَعَمْ فِي الْعُدْرَةِ وَ النُّفَسَاءِ. (وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۳۵۳ باب ۲۴ از ابواب کتاب الشهادات ح ۸)

مضمورات محمد بن مسلم و زراره و ابی بصیر کالمسند است، چون ایشان از غیر معصوم سؤال نمی‌کنند. این حدیث در کتاب‌های دیگر مسند نقل شده است ولی اگر هم مضموره بود ایرادی نداشت چون محمد بن مسلم از زراره هم مقام علمی بالاتری دارد و از غیر معصوم سؤال نمی‌کند. این حدیث صحیح است. عذره یعنی بکارت و نفساء یعنی نفاس و بچه‌دار شدن. معنای حدیث آن است که شهادت زن فقط در مواردی که مردها نمی‌توانند بر آن اطلاع بیابند، معتبر است.

**حدیث نهم:** وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ يُونُسَ عَنْ (عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْعُدْرَةِ وَ كُلِّ عَيْبٍ لَا يَرَاهُ الرَّجُلُ. (وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۳۵۳ باب ۲۴ از ابواب کتاب الشهادات ح ۹)

و بالاسناد یعنی با همان سند حدیث قبل. در تهذیب گفته شده است این حدیث ضعیف السنن است و حدیث را این‌گونه نقل کرده است: عن يونس عن عبدالرحمان بن بكير، عبدالرحمان بن بكير مجهول است. ولی مسلماً اشتباه ناسخ بوده است چون عبدالله بن بكير صحیح است و او سنی است ولی موثق است، لذا سند حدیث موثق است.

**حدیث دهم:** وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي رُؤْيَةِ الْهَلَالِ وَلَا يَجُوزُ فِي الرَّجْمِ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ وَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ وَ يَجُوزُ فِي ذَلِكَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَقَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ وَ حَدَهُنَّ بِأَرْجَالٍ فِي كُلِّ مَا لَا يَجُوزُ لِلرِّجَالِ النَّظَرُ إِلَيْهِ وَ تَجُوزُ شَهَادَةُ الْقَابِلَةِ وَ حَدَهَا فِي الْمُنْفُوسِ. (وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۳۵۳ باب ۲۴ از ابواب کتاب الشهادات ح ۱۰)

سند قبلی که مشکلی نداشت از یونس بن عبدالرحمان از عبدالله بن سنان نقل شده است. عبدالله بن سنان موثق است ولی محمد بن سنان را معمولاً ضعیف می‌دانند. یونس بن عبدالرحمان از بزرگان و از اصحاب اجماع است و هیچ‌گاه از محمد بن سنان نقل نمی‌کند.

در نفاس و ولادت، شهادت یک زن کافی است حتی اگر عادل نباشد و این امتیازی است که به مردها داده نشده است چون شهادت یک مرد و غیر عادل پذیرفته نیست.

حدیث یازدهم: وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ تَجُورُ فِي النِّكَاحِ قَالَ نَعَمْ وَ لَا تَجُورُ فِي الطَّلَاقِ قَالَ وَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَجُورُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الرَّجْمِ إِذَا كَانَ ثَلَاثَةً رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَ إِذَا كَانَ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ وَ رِجَالَانِ فَلَا يَجُورُ الرَّجْمُ قُلْتُ تَجُورُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ مَعَ الرِّجَالِ فِي الدِّمِّ قَالَ لَا. (وسائل الشيعه ج ۲۷ ص ۳۵۴ باب ۲۴ از ابواب كتاب الشهادات ح ۱۱)

یک چهارم اصول کافی از سهل بن زیاد نقل شده است. اینکه کلینی یک چهارم کتاب خود را از ایشان نقل کرده است، دلیل بر اعتماد کلینی است و اعتماد کلینی، توثیق محسوب می شود لذا سهل بن زیاد معتبر است. بقیه هم موثق هستند.

حدیث دوازدهم: وَ عَنْهُمْ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أُجِيزُ شَهَادَةَ النِّسَاءِ فِي الْغُلَامِ صَاحٍ أَوْ لَمْ يَصِحْ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِ الرَّجَالُ تَجُورُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِيهِ. (وسائل الشيعه ج ۲۷ ص ۳۵۴ باب ۲۴ از ابواب كتاب الشهادات ح ۱۲)

عنهم یعنی عده من اصحابنا از سهل بن زیاد از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که بسیار جلیل القدر است از داود بن سرحان. سند حدیث معتبر است.

امام علیه السلام می فرماید شهادت زن را در مورد نوزاد نافذ می دانم، بچه گریه کند یا گریه نکند. در هر چه مردها نباید نگاه کنند شهادت زن پذیرفته می شود.

حدیث سیزدهم: وَ عَنْ عَلِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِامْرَأَةٍ بَكَرٍ رَعَمُوا أَنَهَا زَنْتٌ فَأَمَرَ النِّسَاءَ فَنَظَرْنَ إِلَيْهَا فَقُلْنَ هِيَ عَذْرَاءٌ فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَضْرِبَ مَنْ عَلَيْهَا (خَاتَمٌ مِنَ اللَّهِ) وَ كَانَ يُجِيزُ شَهَادَةَ النِّسَاءِ فِي مِثْلِ هَذَا. (وسائل الشيعه ج ۲۷ ص ۳۵۴ باب ۲۴ از ابواب كتاب الشهادات ح ۱۳)

علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از نوفلی از سکونی نقل کرده است. سکونی سنی است و معمولاً نمی گوید عن ابی عبدالله بلکه می گوید عن جعفر عن ابیه عن آبائه. هر حدیثی که اسم امام معصوم بود و از پدرانش نقل کرده بود، معلوم می شود که راوی سنی است شبیه حدیث سلسله الذهب که امام سند آورده است و معلوم می شود که راوی سنی است. این حدیث برخلاف این قاعده، سکونی گفته است عن ابی عبدالله؛ احتمال دارد که در حدیث دست برده باشند و عن جعفر را به عن ابی عبدالله تبدیل کرده باشند. به هر حال امام صادق از امیرالمؤمنین نقل کرده است.